افق حوزه
• سال بیست و دوم
• شماره ۷۹۸
• دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳
• ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان
Ofogh-e Hawzah Weekly
• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضا رستمی
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ (۰۲۱)

در محضر نور

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام

اِنَّ الایمانَ اَفضلُ مِن الاسلامِ بِدَرجَةٍ وَ التَّقوی اَفضلُ مِن الایمانِ بِدَرَجَةٍ وَ لَم یَعطِ بَنو آدَمَ اَفضلُ مِنَ الیَقینِ.

ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است.

تحف‌العقول: ص ۴۴۵

سخن بزرگان

آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی رحمه‌الله‌علیه

در زیارت برای کسانی که به تو بد کرده اند بیشتر دعا کن! این کار، رنگی از الوهیت دارد. چرا که ما به خداوند بد می‌کنیم، اما او به ما خوبی می‌کند. خیلی برای دیگران دعا کن و همه را مدنظر داشته باش.

منبع: انتظار نوجوان / مهر ماه سال ۱۳۹۰ شماره ۷۵

زیارت امام رئوف علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در سیره عملی عالمان دین

از سیره اخلاقی و تربیتی عالمان دین، زیارت بارگاه امام علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام است. آن بزرگواران در هر فرصتی به زیارت قبر آن امام معصوم علیه‌السلام می‌شتافتند و از رهگذر فیض زیارت، دل و جان خود را سیراب می‌ساختند. با آنکه معتقد هستیم، روح پاک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام در همه حال شاهد، ناظر و حاضر هستند؛ به بیانی دیگر جوهر و اساس زیارت از راه دور و نزدیک تفاوتی نمی‌کند؛ اما علمان دین و شاگردان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام در زیارت حضوری و از نزدیک، لطف و حلاوت و تأثیری می‌دیدند که در زیارت از راه دور، آن را مشاهده نمی‌کردند.

آنچه در پی می‌آید اشاره‌ای است به سیره عملی برخی از عالمان بزرگ دین در خصوص زیارت امام رضا علیه‌السلام .

• توصیه‌ها و سیره زیارتی آیت‌الله محمد کوهستانی رحمه‌الله‌علیه

آیت الله محمد کوهستانی در میان اهل‌بیت بزرگوار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، به حضرت رضا علیه‌السلام اظهار محبت بیشتری می‌کرد و در سایه همان دل‌بستگی و ارادت، بارها برای زیارت و بهره‌مند شدن از عنایت‌های ویژه آن‌حضرت به مشهد مقدس سفر کرد. ایشان در حقیقت، بهترین و مطمئن‌ترین وسیله سعادت و نجات را در توسل و زیارت به آن امام رئوف و اجداد پاکش می‌دید.

یکی از ارادتمندان ایشان می‌گوید: در تمام مدتی که در مشهد خدمت ایشان بودم، روزی سه مرتبه به حرم مشرف می‌شد و من به‌دلیل کهولت سن او را همراهی می‌کردم. سحر و نزدیک صبح، همراه ایشان به حرم می‌رفتم. تا دو سه ساعت مشغول زیارت و دعا و نماز بود و پس از زیارت، برای صرف صبحانه به منزل می‌آمدیم. بار دیگر نزدیک ظهر، با هم به طرف حرم حرکت می‌کردیم. مرتبه سوم هم، یک ساعت به اذان مغرب روانه حرم می‌شدیم و در تمام مدت، ایشان حال و هوای خاصی داشت و با خشوع وصف‌ناپذیری به دعا و زیارت و قرائت قرآن می‌پرداخت.

بگذارید این چند روز بر خانواده خوش بگذرد

رفتار ایشان در مشهد با خانواده و دوستان، از لطافت و صفای بیشتری برخوردار بود؛ به‌گونه‌ای که در نوع غذا و خریدن سوغات، هیچ‌گونه سخت‌گیری نمی‌کرد و می‌فرمود: «ما مهمان حضرت رضا علیه‌السلام هستیم و اینجا برای خوردن غذا استخاره نمی‌کنیم و به دوستان نیز سفارش می‌کردند، خانواده را در تنگنا قرار ندهند. روزی یکی از همراهان ایشان مقداری میوه نامرغوب خریده بود. آقا خطاب به وی فرمود: اینجا خراسان است. مبادا بر خانواده سخت بگیرید. بگذارید این چند روز بر خانواده خوش بگذرد.

• وداع یک ساعته با حضرت رضا علیه‌السلام

لحظه وداع ایشان با مولایش حضرت رضا علیه‌السلام نیز دیدنی بود. حال ایشان هنگام وداع عجیب بود. چنان با آن حضرت سخن می‌گفت که گویا او را در برابر خود می‌بیند و حضوری با او گفت‌وگو می‌کند و مثل بنده‌ای ذلیل در برابر مولای خود عجز و لابه می‌نماید. پس از مدتی که رو به روی حضرت می‌ایستاد، اشک‌ریزان به سمت رواق «دار السیاده» می‌رفت و صورت را روی عتبه می‌گذاشت و مدتی با حضرت درد و دل می‌کرد، آنگاه به سمت درِ صحن می‌رفت و لحظاتی در آنجا می‌ایستاد.

خلاصه آنکه وداع ایشان با حضرت حدود یک ساعت طول می‌کشید. گویا نمی‌توانست، از آن‌حضرت دل بکند و از محضرش جدا شود. در تمام این مدت، گریه و اشک فراوانی از دیدگانش جاری بود و حالش قابل وصف نبود. (منبع: برقله پارسایی/ص ۱۹۶)

• توصیه‌ها و سیره زیارتی آیت‌الله‌العظمی اراکی رحمه‌الله‌علیه

زوجود بی‌نیازش طلب نیاز کردن...

آیت‌الله اراکی مرجع و فقیه بزرگی بود. در سن ۹۰-۸۰ سالگی هم، زیارت‌هایش را کامل بجا می‌آورد. بعد از زیارت حرم، دور ضریح می‌گشت، بعد می‌رفت بالا سر که مسجد کوچکی درست بالای سر امام وصل به حرم است، آنجا دو رکعت نماز می‌خواند و بعد می‌ایستاد و تمام زیارت امین‌الله و جامعه را همان‌طور ایستاده می‌خواند و اشک می‌ریخت تا آخر...

آیت‌الله اراکی، یکبار از سفر مشهد برگشته بود. برای کسانی که رفته بودند دیدنش، تعریف می‌کند که حتی نتوانسته حاجتش را به امام بگوید؛ نه اینکه نتوانسته، رویش نشده؛ با این‌که اصلاً از قم به قصد طلب همین حاجت راه می‌افتد سمت مشهد. ۱۰ روزی هم مشهد می‌ماند و هر روز با رعایت کامل آداب می‌آید زیارت. روز اول غسل می‌کند، لباس تمیز می‌پوشد، دم درِ ورودی اذن دخول می‌خواند و بعد از زیارت دو رکعت نماز می‌خواند و بعد هم، زیارت‌نامه را اما همین که می‌خواهد، حاجتش را بگوید، حس می‌کند حال طلب نیاز ندارد؛ پس چیزی نمی‌گوید. فقط می‌گوید: «آقا! یک حاجتی دارم بعداً می‌گویم خدمتتان»! روز دوم باز هم همین‌طور، روز سوم باز هم همین‌طور؛... حتی روز دهم هم دلش نمی‌آید، حاجتش را به امام بگوید. روز آخر وقت خداحافظی فقط می‌گوید: «آقا! حاجتی دارم دفعه بعد می‌گویم ان‌شاءالله...»

• توصیه‌ها و سیره زیارتی آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی رحمه‌الله‌علیه

یک شب میهمان حرم

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدباقر گلپایگانی فرزند آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی رحمه‌الله‌علیه: پدرم نقل می‌کردند: زمان پهلوی اول، به مشهد مشرف شدم. در آن وقت، زن و مرد در حرم امام رضا علیه‌السلام با هم زیارت می‌کردند. من هم در آن ایام زمستانی، به حرم مشرف شدم. خدمت امام رضا علیه‌السلام عرض کردم، من هم دوست دارم که بیایم و ضریح را برای تبرک ببوسم؛ ولی به‌خاطر اینکه با نامحرم برخورد نکنم، معذور هستم و جلو نمی‌آیم؛ والا این‌طور نیست که بی‌ادبی کرده باشم. اگر شما یک طوری صلاح بدانید، خودتان موقعیتی فراهم آورید تا بتوانم، ضریح را ببوسم. آن شب زمستانی که من قبل از مغرب به حرم مشرف شده و مشغول دعا و زیارت بودم. در آن زمان در حین انجام اعمال و زیارت، کم‌کم خدام حرم، زائران را خارج می‌کردند و درِ حرم را بستند؛ ولی کسی به من نگفت، از حرم خارج شو! من همان‌طور که سجاده‌ام پهن بود، مشغول دعا و زیارت بودم. وقتی همه زوار رفتند و درها بسته شد، سجاده را کنار ضریح گذاشتم. مرحوم والد ادامه دادند: «آن شب هرچه از حضرت خواستم، به من عنایت شد!» وقت مناجات صبح که شد، مسئول حرم وارد شد. وقتی مرا دید، با تعجب پرسید: شما کجا بودید؟ از کی اینجا هستید؟ مگر «شما رمز شب دارید»؟ گفتم: نه. «گفت: با اجازه چه کسی اینجا ماندید»؟ اشاره به قبر مطهر کردم و گفتم: با اجازه آقا. گفت: از چه وقت حضور داشتی؟ گفتم از اول شب. گفت: چرا بیرون نرفتید؟ گفتم: کسی به من نگفت بیرون برو! چه جایی از اینجا بهتر. مسئول حرم خیلی تعجب کرد و گفت: من چهل سال در این آستان مقدس خادم هستم. تا الآن چنین اتفاقی نیفتاده است. اگر مسئولان حرم بفهمند، هم مسئول شیفت قبلی و هم مرا توبیخ خواهند کرد. من از شما خواهش می‌کنم، شما از در پشتی خارج شده، تجدید وضو کرده و دوباره از درِ اصلی وارد حرم شوید تا ما به زحمت نیفتیم. مرحوم والد گفتند: عجیب اینکه در آن شب زمستانی، اصلاً در طول ده الی دوازده ساعت، احتیاج به تجدید وضو پیدا نکردم. (منبع: خبرگزاری حوزه)

• توصیه‌ها و سیره زیارتی آیت‌الله‌العظمی بهجت رحمه‌الله‌علیه

اگر حال توسل و دعا داشتید، به حرم وارد شوید!

۱. زیارت شما قلبی باشد. در موقع ورود اذن دخول بخواهید. اگر حال داشتید، به حرم بروید. هنگامی که از حضرت رضا علیه‌السلام اذن دخول می‌طلبید بگویید: «أأدخل یا حجة‌الله: ای حجت خدا! آیا وارد شوم؟»

۲. به قلب‌تان مراجعه کنید و ببینید، آیا تحولی در آن به وجود آمده و تغییر یافته است یا نه؟ اگر تغییر حال در شما بود، حضرت علیه‌السلام به شما اجازه داده است. اذن دخول حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام گریه است. اگر اشک آمد، امام حسین علیه‌السلام اذن دخول داده‌اند و وارد شوید.

۳. اگر حال داشتید، به حرم وارد شوید. اگر هیچ تغییری در دل شما به وجود نیامد و دیدید حالتان مساعد نیست، بهتر است به کار مستحبی دیگری بپردازید. سه‌روز روزه بگیرید و غسل کنید و بعد به حرم بروید و دوباره از حضرت اجازه ورود بخواهید.

۴. بسیاری از(افراد) از حضرت رضا علیه‌السلام سؤال کردند و خواستند و جواب شنیدند؛ در نجف، در کربلا، در مشهد مقدس- هم همین طور- کسی مادرش را به کول می‌گرفت و به حرم می‌برد. چیزهای عجیبی را می‌دید.

۵. کسی وارد حرم حضرت رضا علیه‌السلام و متوجه شد، سیدی نورانی در جلوی او مشغول خواندن زیارت‌نامه می‌باشد. نزدیک او رفت و متوجه شد که ایشان اسامی معصومین علیهم‌السلام را یک یک با سلام ذکر می‌فرمایند. هنگامی که به نام مبارک امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف رسیدند، سکوت کردند! آن کس متوجه شد که آن سید بزرگوار، خود مولای‌مان امام زمان سلام‌الله علیه و ارواحنا له الفداء است.

۶. همه زیارت‌نامه‌ها مورد تأیید هستند. زیارت جامعه کبیره را بخوانید. زیارت امین‌الله مهم است. - قلب شما- این زیارات را بخواند. با زبان قلب خود بخوانید. لازم نیست، حوائج خود را در محضر امام علیه‌السلام بشمرید. حضرت علیه‌السلام می‌دانند! مبالغه در دعاها نکنید! زیارت قلبی باشد. امام رضا علیه‌السلام به کسی فرمودند: «از بعضی گریه‌ها ناراحت هستم!» (منبع: برگرفته از کتاب «برگی از دفتر آفتاب»)

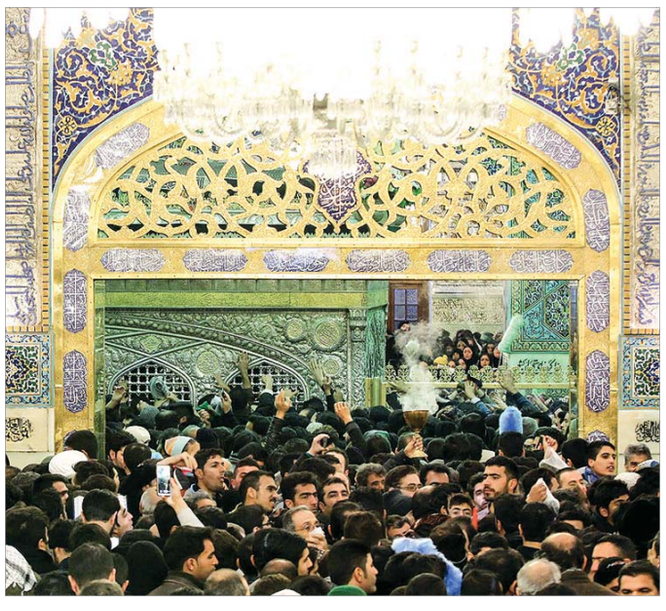

• توصیه‌ها و سیره زیارتی علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه

ما از پناه امام هشتم علیه‌السلام جای دیگر نمی‌رویم

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرمودند: همه امامان علیهم‌السلام لطف دارند؛ اما لطف حضرت رضا علیه‌السلام محسوس است.» و در نقلی دیگر، بیان می‌کردند: «همه امامان معصوم علیهم‌السلام رئوف هستند؛ اما رأفت حضرت امام رضا علیه‌السلام ظاهر است. انسان هنگامی که وارد حرم رضوی می‌شود، مشاهده می‌کند که از در و دیوار حرم آن امام علیه‌السلام رأفت می‌بارد.

وقتی به مشهد مشرف می‌شد و به حرم مطهر حضرت رضا علیه‌السلام می‌رفت، دست‌های لرزان خود را بر چارچوب در می‌گذاشت و به‌گونه‌ای چارچوب را می‌بوسید که نشان می‌داد، تمام وجودش به ساحت قدس آن‌حضرت، ادب و عشق می‌ورزد و این ادب و عشق، در تمامی اوقات زیارت و نمازش در حرم مطهر، از سوی ایشان به‌خوبی پیدا بود. (مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۱: ۹۵)

طبیب‌الاطباء

حجت‌الاسلام معزّی نقل می‌کند که یک بار در ایام طلبگی به مشهد رفته بودم و در صحن‌های حرم رضوی قدم می‌زدم و به بارگاه امام علیه‌السلام می‌نگریستم؛ اما داخل رواق‌ها و روضه نمی‌رفتم. ناگهان دست مهربانی بر روی شانه‌هایم قرار گرفت و با لحنی آرام فرمود: «حاج شیخ حسن! چرا وارد نمی‌شوی؟» نگاه کردم و دیدم علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه است. عرض کردم: «خجالت می‌کشم، با این آشفتگی روحی بر امام رضا علیه‌السلام وارد شوم. من آلوده کجا و حرم پاک ایشان کجا!»

آنگاه مرحوم علامه فرمود: «طبیب برای چه مطب باز می‌کند؟ برای اینکه بیماران به وی مراجعه کنند و با نسخه او تندرستی خود را بیابند. اینجا هم دارالشفای آل‌محمد علیهم‌السلام است. داخل شو که امام رضا علیه‌السلام طبیب‌الأطباء است.»

فرزند ایشان نقل می‌کردند: در سال آخر حیات‌شان به‌دلیل کسالتی که داشتند و بنا به تأکید و توصیه پزشکِ مخصوص، نمی‌خواستیم که ایشان به مشهد مقدس بروند؛ ولی ایشان اصرار داشتند و رفتند. پس از مراجعت از مشهد، به ایشان گفتم: سرانجام به مشهد رفتید! فرمود: «پسرم جز مشهد کجاست که آدم بتواند، دردهایش را بگوید و درمانش را بگیرد؟» (منبع: حوزه‌نت/ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی)

• توصیه‌ها و سیره زیارتی حکیم الهی قمشه‌ای رحمه‌الله‌علیه

هیچ وقت بی‌دعوت به زیارت امام رضا علیه‌السلام نرفته‌ام

حکیم الهی قمشه‌ای می‌گفت: هر وقت حضرت امام رضا علیه‌السلام مرا بخواهد، می‌روم و هنوز بی‌دعوت نرفته‌ام؛ یعنی اینکه در عالم رؤیا می‌دید، در رواق یا ایوان و صحن آن‌حضرت قرار گرفته است.

ایشان می‌گوید: در یکی از سفرهایم به مشهد مقدس، کنار ضریح مقدس امام رضا علیه‌السلام رفتم و از آن‌حضرت خواستم، مرا به مقام «رضا» برساند. از حرم که بیرون آمدم، یک اتومبیل جیب ارتشی به من زد و پرت شدم و دست و پایم شکست. فهمیدم امام رضا علیه‌السلام خواسته مرا اجابت کرد؛ چراکه این تصادف، بهترین محک برای سنجش مقام «رضا»ی من بود و من که احساس می‌کردم، در برابر این مشکلی که برایم پیش آمد، کاملاً در برابر خواسته خداوند راضی هستم و هیچ گله و اعتراضی ندارم، هم راننده ماشین را بخشیدم و هم سپاسگزار عنایت زیبای حضرت رضا علیه‌السلام به خویش شدم.

ز تو گر تفقد و گر ستم
بُوَد آن عنایت و این کَرَم
همه خوش بُوَد ز تو ای صنم!
چه وفا کنی، چه جفا کنی

(منبع: کوچه مهر، خاطرات دکتر الهی قمشه‌ای ص ۱۸- ۱۷)

• توصیه‌ها و سیره زیارتی آیت‌الله شیخ مرتضی حائری رحمه‌الله‌علیه

حضرت فرمودند: دیگه به زیارت ما نیا!!

آیت‌الله شیخ مرتضی حائری رحمه‌الله‌علیه، فرزند آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه‌الله‌علیه علاقه فراوانی به زیارت امام رضا علیه‌السلام داشت. ایشان همواره در پی فرصتی برای زیارت آن امام همام علیه‌السلام بود. حتی در ایام درسی، وقتی حوزه، دو سه روز به‌مناسبتی تعطیل می‌شد، به زیارت آن حضرت می‌رفت. او هنگام تشرف به حرم امام رضا علیه‌السلام، به زائران آن- حضرت احترام می‌گذاشت و زائر آن‌حضرت را هرچند از افراد معمولی بود، بزرگ می‌شمرد. وی همواره می‌کوشید، هنگام زیارت در میان مردم عادی بنشیند و امام را زیارت کند. خودش می‌گفت: احترام به زائران، احترام به آن‌حضرت بوده و موجب خشنودی آن ایشان است.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار می‌گوید: آیت‌الله شیخ مرتضی حائری رحمه‌الله‌علیه درباره علت این احترام به زائر امام رضا علیه‌السلام فرمود: یکی از زائران حضرت رضا علیه‌السلام یک بار به مشهد مقدس مشرف شد و اتاقی در خانه‌ای اجاره کرد و مرتب به زیارت حضرت مشرف می‌شد. او دید که در طبقه دیگر، فردی است که مدت‌ها بیش از او در مجاورت حرم مطهر ساکن شده؛ ولی در عین حال، بیش از او به حرم مشرف می‌شود و آداب زیارت را بهتر از او بجا می‌آورد و زیارت‌ها را هم بیشتر طول می‌دهد. یک روز به حال او غبطه خورد و تصمیم گرفت، او هم با آداب مخصوص مثل غسل و خواندن اذن دخول و... به حرم مشرف شود.

می‌گفت: یک روز صبح، آداب و مقدماتِ لازم را انجام دادم و به حرم رفتم. وقتی خواستم وارد حرم مطهر شوم، یکی از آشنایان را دیدم که از حرم خارج می‌شود. نزدیک آمد و با من بسیار گرم گرفت؛ ولی من که می‌خواستم، اذان دخول بخوانم و با حال وارد حرم شوم، با او خیلی سرد برخورد کردم. بعد وارد حرم شدم و به نظر خودم، زیارت باحالی کردم و از حرم بیرون آمدم و دیدم، آن همسایه مجاور هنوز از حرم نیامده است.

پس از مدتی او هم آمد و مرا با اسم و بدون احترام و القاب صدا زد و گفت: فلانی! حضرت فرمود: دیگر به زیارت من نیا! تا این جمله را گفت، فهمیدم برخورد سردم با آن زائرِ حضرت، امام را ناراحت کرده و چنین دستوری داده‌اند. از این رو، رفتم با هر زحمتی بود، با اینکه آدرسی از او نداشتم، وی را یافتم و عذرخواهی کردم؛ ولی به حرم نرفتم، تا اینکه روز بعد، همان همسایه وقتی از حرم برگشت، مرا با احترام صدا کرد و گفت: امام فرمود: حالا به زیارت من بیا! (فصلنامه فرهنگ زیارت، ۱۳۸۹: ش ۳ و ۴: ۸۹ و ۹۰)

عطر یار

فیض عمر

فیض کاشانی

ای قصه بهشت ز کویت حکایتی
شرح نعیم خلد ز وصلت روایتی
علم وسیع خضر ز بحرت علامتی
آب حیات معرفتت را کنایتی
انفاس عیسی از نفست بود شمه‌ای
تعمیر عمر نوح، تو را بود آیتی
کی عطرسای مجلس روحانیان شدی
گل را اگر نه بوی تو کردی رعایتی
هر پاره از دل و از غصه قصه‌ای
هر سطری از خصال تو وز رحمت آیتی
تا چند ای امام بسوزیم در فراق
آخر زمان هجر شما را نهایتی
در آرزوی خاک درش سوختیم ما
یادآور ای صبا که نکردی حمایتی
ای فیض عمر رفت و ندیدی امام را
صد مایه داشتی و نکردی کفایتی

یادداشت

گفتم، گفت (۴)

دروس اصلی و جنبی

استاد جواد محدثی

تقسیم درس‌های حوزه به «اصلی» و «فرعی» برایم مشکل‌ساز شده بود.

در برخورد با مردم و سؤالات‌شان می‌دیدم، بسیاری از آنچه در حوزه خوانده‌ایم، به درد مردم نمی‌خورد و بسیاری از آنچه می‌پرسند و توقع دارند، پاسخ بدهیم، آمادگی نداریم.

مشکل را با استاد در میان گذاشتم.

استاد گفت: کار اصلی ما طلبه‌ها، تبلیغ دین است که کاری پیامبرانه است. آموخته‌هایی که در این راه به ما کمک کند و ما را مجهّز سازد، «اصلی» است؛ هرچند در حوزه به آن اصلی نگویند.

گفتم: مثلاً فقه و اصول را دروس اصلی حساب می‌کنند؛ ولی تفسیر و حدیث و اخلاق و تاریخ و سیره را نه؛ یا مثلاً مهارت‌آموزی قلمی یا تجربه‌اندوزی تبلیغی و زبان خارجی را دروس جنبی می‌شمارند.

استاد گفت: فقه و اصول عمیق و اجتهادی، از آنجا که زیر بنای صاحب‌نظر شدن در احکام شرع است، جنبه اصلی دارد؛ ولی اگر کسی فقیه جامع هم بشود؛ ولی نتواند تبلیغ دین کند یا در مسائل تاریخی و قرآنی و حدیثی تبحّر نداشته باشد، نمی‌تواند رسالت اصلی خود را انجام دهد.

گفتم: منطق و فلسفه و معانی و بیان و صرف و نحو را که نمی‌شود به توده مردم گفت.

استاد گفت: درست است؛ اینها پایه‌های نیرومند شدن در فهم متون قرآن و حدیث و فقه و معارف است؛ ولی طلبه در کنار این دروس، حتماً باید فرصتی جدی هم برای مطالعات تاریخی و اعتقادی و تفسیری و حدیثی اختصاص دهد. اینهاست که دست‌مایه تبلیغ دین است. فقه اجتهادی درسی اصلی است؛ ولی دانستن احکام و مسائل شرعی هم که مردم می‌پرسند، اصلی است. طلبه‌ای «فافهم»ها و «فتأمّل»های مکاسب و کفایه را خوب بداند؛ ولی وقتی جوانی از او مسئله شرعی بپرسد، نتواند جواب دهد، به چه درد می‌خورد؟

گفتم: پس شما این اصلی و جنبی بودن دروس را قبول ندارید؟

استاد گفت: چرا قبول دارم؛ ولی باید دید با چه معیاری درسی اصلی حساب می‌شود یا فرعی و جنبی؟

به نظر من هر درسی و مطالعه و آموزشی که طلبه را در مسیر تبلیغ و پاسخگویی به نیازهای دینی جامعه تجهیز و قوی کند، «اصلی» است؛ دیگران هرچه می‌خواهند بگویند.